به نام خدا

چالش های بازار نیروی کار، کارایی بازار نیروی کار و کامیابی اقتصادی

مولفان :

دکتر نغمه هنرور

دکتر مرتضی محمدی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران – ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : هنرور ، نغمه ، ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآورگان: چالش های بازار نیروی کار، کارایی بازار نیروی کار و کامیابی اقتصادی/ مولفان: نغمه هنرور، مرتضی محمدی
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری :۹۳ ص.
شابک : ۴-۹۸۷-۱۲۹-۶۲۲-۹۷۸
شناسه افزوده : محمدی ، مرتضی ، ۱۳۶۳
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : چالش های بازار نیروی کار
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۸۵۶۲۱۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : چالش های بازار نیروی کار، کارایی بازار نیروی کار و کامیابی اقتصادی
مولفان : دکتر نغمه هنرور - دکتر مرتضی محمدی
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول ــ ۱۴۰۵
چاپ : زبرجد
قیمت : ۲۰۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
https//:chaponashr.ir/ketabresan
شابک : ۴-۹۸۷-۱۲۹-۶۲۲-۹۷۸
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir

تقدیم به:

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم...

موهایشان سپید شد تا ماروسفید شویم...

و عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند...

فهرست

مقدمه ۷
واکاوی چالش‌های سمت عرضه در بازار نیروی کار ایران ۹
مخاطرات بازار نیروی کار در ایران ۱۰
کارایی بازار نیروی کار و زیر مجموعه های آن ۲۳
کامیابی و کامیابی اقتصادی ۲۷
تاثیر کارایی بازار نیروی کار بر کامیابی اقتصادی از دیدگاه مکاتب اقتصادی ۳۱
آزمون استقلال مقطعی پسران ۴۹
آزمون مانایی ۵۰
آزمون های هجمعی ۵۲
تعیین وقفه بهینه ۵۴
آزمون های علیت گرنجر و والد ۵۶
معرفی توابع واکنش ضربه(IRF) و تجزیه واریانس خطای پیش بینی(FVED) ۵۸
نتیجه گیری ۸۳
فهرست منابع ۸۸

مقدمه

امروزه همه کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه به اهمیت کارایی و بهره وری به عنوان یکی از ضرورت های توسعه اقتصادی و کسب برتری رقابتی در عرصه های بین المللی تأکید دارند، زیرا در دنیای کنونی، رقابت در صحنه های جهانی ابعاد دیگر به خود گرفته و تلاش برای نیل به سطح کارایی و بهره وری بالاتر یکی از پایه های اصلی این رقابت ها را تشکیل می دهد. به این ترتیب اغلب کشورهای در حال توسعه به منظور اشاعه نگرش به مقوله کارایی و بهره وری و تعمیم به کارگیری فنون و روش های بهبود آن، سرمایه گذاری های قابل توجهی را در این زمینه انجام داده و یا در حال انجام دارند. همچنین در بین کشورهایی که در چند دهه اخیر به پیشرفت های سریع اقتصادی نایل آمده اند نیز کارایی و بهره وری طیف گسترده ای یافته است، به طوریکه شاید بتوان گفت که پایه توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی آنها براساس توجه به مقوله کارایی و بهره وری و اشاعه آن در کلیه سطوح و طبقات جامعه می باشد. افزایش کارایی و بهره وری بر پدیده های اصلی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع مانند کاهش سطح تورم، افزایش سطح رفاه عمومی، افزایش سطح اشتغال و افزایش توان رقابت اقتصادی تأثیر دارد. به طور کلی می توان گفت از اهداف اصلی هر کشوری داشتن رشد اقتصادی بالا و رسیدن به سطوح توسعه یافتگی است که از ضرورت های دسترسی به این اهداف، استفاده بهینه از منابع موجود در کشور و راهکار آن بهبود و ارتقای کارایی و بهره وری است. بنابراین تحلیل اثرات بلند مدت کارایی(کارایی بازار کالا و کارایی بازار نیروی کار) که مولفه بسیار مهم شاخص رقابت پذیری جهانی است بر کامیابی اقتصادی با تاکید بر متغیرهای موثر بر کارایی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

در خصوص تحلیل اثرات بلند مدت کارایی بازار کالا به عنوان یکی از مولفه های شاخص رقابت پذیری جهانی بر کامیابی اقتصادی، با استفاده از روش های اقتصاد سنجی و کلید واژهای این کتاب، مطالعه جامعی انجام نگرفته است لذا این کتاب برای اولین بار است که توجه ویژه ای به این موضوع معطوف می دارد.

اتخاذ استراتژی ها و دستور العمل های پیشنهاد شده برای کشورها، نیازمند این است که سیاست گذاران و تصمیم گیرندگان از تجارب سایر کشورها در این زمینه استفاده لازم را ببرند. پس این کتاب می تواند به عنوان الگویی برای سایر کشورها در جهت انتخاب و اتخاذ سیاست هایی برای بهبود کارایی و کامیابی اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. بطور کلی می توان گفت نتایج نهایی این کتاب، کمک به بهبود کارایی بازار نیروی کار، افزایش رشد اقتصادی، کاهش بیکاری و در نهایت بهبود کامیابی اقتصادی است.

هدف اصلی این کتاب تحلیل اثرات بلند مدت کارایی بازار نیروی کار بر کامیابی اقتصادی با تاکید بر متغیرهای موثر بر این نوع کارایی با استفاده از الگوها و روش های اقتصاد سنجی است. بنابراین در این کتاب در گام نخست به چالش ها و مخاطرات نیروی کار و بازار نیروی کار در ایران پرداخته می شود. سپس کارایی بازار نیروی کار، نحوه اندازه گیری آن و کامیابی اقتصادی بطور کامل تصریح می شود. بعد از آن در چارچوب مبانی نظری، تاثیر کارایی بازار نیروی کار و متغیرهای موثر بر این نوع کارایی بر کامیابی اقتصادی تشریح می گردد. در ادامه با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی، روش ها و نرم افزارهای به روز اقتصادسنجی(EVIEWS) اثرات بلند مدت کارایی بازار نیروی کار بر کامیابی اقتصادی کشورهای آسیایی منتخب، در قالب یک مثال تجربی بررسی و تحلیل می گردد. در نهایت با استفاده از نتایج و شواهد اقتصادسنجی بدست آمده، نتیجه گیری و پیشنهادات سیاستی و مطالعات آتی ارائه می گردد.

این کتاب از جهت اینکه در کنار مبانی نظری مربوط به نیروی کار، بازار نیروی کار و کارایی بازار نیروی کار، از الگوها، روش ها و نرم افزارهای اقتصادسنجی به روز جهت تحلیل و بررسی استفاده می کند، می تواند مشوق و راهنمای بسیار خوبی برای دانشجویان رشته های اقتصاد، مدیریت و حسابداری و سایر رشته ها در جهت آشنایی با الگوها و مباحث اقتصادسنجی باشد.

واکاوی چالش‌های سمت عرضه در بازار نیروی کار ایران

بازار کار در کنار بازار کالا و خدمات، بازار پول و سرمایه و بازار ارز یکی از چهار بازار مهم در اقتصاد است. به همین علت در علم اقتصاد توجه شایانی به این بخش شده است. به‌رغم اثرگذاری بازار نیروی کار بر زندگی همه مردم، متاسفانه این بخش کمتر مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. طی دو دهه گذشته در کشورهای در حال توسعه، با دخالت دولت ها برای افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها و بدون توجه به نیاز بازار نیروی کار، نه تنها عرضه نیروی کار تحصیل‌کرده افزایش یافته، بلکه این افزایش در رشته‌هایی نامرتبط با نیاز بازار نیروی کار اتفاق افتاده است. از طرف دیگر بنگاه‌های این کشورها توسعه چندانی نداشته‌اند و نتیجه این دو، بیکاری گسترده جوانان تحصیل‌کرده شده که نارضایتی و ناامیدی را در جوانان به‌ویژه بانوان تحصیل‌کرده ایجاد کرده است. در کشورهای در حال توسعه، با توجه به رشد اقتصادی پایین طی دو دهه گذشته، در مجموع تقاضای نیروی کار تحصیل‌کرده تغییر چندانی نداشته است. بنابراین در مجموع تقاضای نیروی کار به هیچ عنوان متناسب با عرضه نیروی کار متخصص رشد نکرده و حتی در بسیاری از رشته‌ها، این تقاضا کاهش پیدا کرده است.

هدف توسعه اقتصادی، افزایش استانداردهای سطح زندگی در کل یک اقتصاد است. بسیاری از استانداردهای سطح زندگی توسط درآمدهای افراد تعیین می‌شود و این درآمدها به‌طور مستقیم از بازار نیروی کار دریافت می‌شود. بازار کار در بین بازارهای پنج‌گانه اقتصاد (بازار سرمایه، بازار پول، بازار تأمین اطمینان، بازارهای کالاها و خدمات و بازار کار)، در تنظیم روابط عرضه و تقاضای نیروی کار و تعادل در متغیرهای کلان اقتصادی ازجمله اشتغال جایگاه ویژه و نقش محوری و تعیین کننده دارد و وجود عامل انسانی در عرضه و تقاضای این بازار، آن را از دیگر بازارهای اقتصاد متمایز می‌نماید. در طی سال‌های گذشته به‌منظور بهبود کارایی بازار نیروی کار، دولت‌ها خود را مکلف به حل مسائل بازار نیروی کار با بسیج مجموعه گسترده‌ای از ارزیابی‌های سیاستی یا برنامه‌ها نموده‌اند.

هر بازاری در اقتصاد از دو وجه عرضه و تقاضا تشکیل شده است و بازار نیروی کار ایران هم از این قاعده مستثنی نیست. هر وجهی از این بازار با چالش‌ها و مشکلاتی روبه‌روست که موجب شده است تا این بازار علاوه بر دو وجه پیش‌گفته، از مداخلاتی با نام سیاست‌گذاری‌ها (با هدف اصلاح مکانیزم بازار) هم بهره‌مند شود که این مداخلات در بازارها می‌توانند هر دو وجه عرضه و یا تقاضا را تحت تأثیر قرار دهند. اگر این مداخلات بدون شناخت دقیق نیروهای بازار باشد، می‌تواند به این چالش‌ها دامن بزند. شناسایی چالش‌های سمت عرضه در بازار نیروی کار ایران یکی از مقولاتی است که پرداختن به آن و کمک در جهت رفع آن نیازمند مطالعات همه‌جانبه‌نگر و گسترده در این حوزه است. اغلب این چالش‌های سمت عرضه، در سیاست‌گذاری‌هایی که تاکنون در بازار نیروی کار انجام گرفته، مغفول مانده است، در حالی که می‌توانند به‌عنوان زیرساختی اثرگذار در بازار نیروی کار جهت تقویت این بازار عمل نمایند. سیاست‌گذاری بازار نیروی کار در ایران عمدتاً معطوف به تحریک سمت تقاضای این بازار بوده است.

چهار دسته از عوامل که نقش اصلی را در عملکرد بازار کار دارند شامل: ثبات متغیرهای اقتصاد کلان (مانند نرخ ارز، نرخ بهره و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد) و نهادهای بازار کار مناسب(حداقل دستمزد، بیمه بیکاری و قانون کار) شروط لازم برای کارکرد سالم بازار کار هستند. در کنار این‌ها استفاده از سیاست‌های فعال بازار کار(مانند آموزش نیروی کار و تسهیل جستجوی شغل) و نیز سیاست‌های حمایتی برای افراد آسیب‌پذیر نیز باعث بهبود وضعیت بازار کار خواهند شد. با این حال در ایران به دلیل نوسانات بزرگ اقتصاد کلان، مداخلات مخرب محیط کسب و کار، قوانین بازار کار ناقص، وام‌دهی ارتباطی و نگاه خرد به آن و نیز سیاست‌های حمایتی ناقص باعث شده‌اند که بازار کار در ایران، وضعیت مناسبی نداشته باشد.

مخاطرات بازار نیروی کار در ایران

وضعیت بازار نیروی کار یکی از موضوعات مهم و پرکشش در حوزه اقتصاد هر کشوری است. اما با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی، بازار کار در ایران و مخصوصا کشورهای در حال توسعه با چالش‌های متعددی روبه‌روست. تعداد بیکاران، نرخ بیکاری، سطح تحصیلات و مهارت‌های نیروی کار، نرخ استخدام و شرایط کاری از جمله عواملی هستند که وضعیت بازار نیروی کار را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. در ادامه به بررسی ابعاد مختلف بازار نیروی کار در ایران پرداخته می شود:

۱ . بیکاری: بیکاری و نرخ بالای بیکاری در بین جوانان و زنان در واقع یکی از چالش‌های اساسی در بازار کار ایران محسوب می‌شود. این موضوع نه‌تنها بر افراد بلکه بر اقتصاد کلان کشور نیز تاثیرات منفی می‌گذارد. البته براساس آمار منتشرشده، نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۲ کاهش چشمگیری داشته و در پاییز سال‌جاری به ۷.۶ درصد رسیده است. این خبر در نگاه اول خبر مسرت‌بخشی است، اما توجه داشته باشیم که بخشی از این کاهش به دلیل ناامیدی کاریابان از ادامه جست‌وجوی شغل و خروج از بازار کار و بخش دیگر مهاجرت نیروی کار در سطوح مختلف بوده است. این دلایل کافی است تا سیاستگذار همچنان بیکاری را یکی از معضلات اصلی کشور در نظر بگیرد و شرایط را برای ایجاد اشتغال فراهم سازد.

۲ . نوسازی نیروی کار: تغییرات سریع در فناوری و نیازهای بازار کار جهانی نشان‌دهنده اهمیت زیاد مساله نوسازی و آموزش مجدد نیروی کار است. این تغییرات باعث شده است تا مهارت‌های قدیمی منسوخ شوند و مهارت‌های جدیدی موردنیاز باشند. در این شرایط، آموزش و توسعه مهارت‌های جدید برای نیروی کار ایران بسیار حیاتی است. افراد باید قادر باشند با تغییرات به‌روز در فناوری و نیازهای بازار کار، همگام شوند. این امر نه‌تنها به افراد کمک می‌کند تا در بازار کار رقابتی موفق باشند، بلکه به اقتصاد کلان کشور نیز کمک می‌کند تا رشد و توسعه پایدار داشته باشد.

۳ . نقص‌های ساختاری: نقص‌های ساختاری در بازار کار ایران نیازمند اصلاح فوری هستند. این نقص‌ها می‌توانند به تضعیف حقوق کارگران، ایجاد نابرابری‌ها و افزایش نارضایتی در جامعه

کاری منجر شوند. در این زمینه، اصلاحات و تغییرات قوانین کاری، تضمین حقوق کارگران و ایجاد توافقات منصفانه بین کارفرما و کارگران از اهمیت زیادی برخوردار است. برخی از اقداماتی که می‌توانند به بهبود ساختاری وضعیت بازار کار ایران کمک کنند، عبارتند از:

۱ . اصلاح و به‌روزرسانی قوانین کاری: تدوین و اجرای قوانین کاری منصفانه که به توازن مناسب بین حقوق کارگر و کارفرما برسد؛

۲ . ترویج توافقات منصفانه: ترویج فرهنگ توافقات منصفانه بین کارفرما و کارگران و ارتقای مهارت‌های مذاکره و توافق؛

۳ . تقویت نظام آموزشی: تقویت و بهبود زیرساخت‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌های کاری و افزایش توانمندی‌های کارگران.

۴ . نقص‌های تامین نیروی کار: تامین نیروی کار با مهارت‌های لازم به یکی از چالش‌های اساسی تبدیل شده است. فقدان تناسب بین تعداد فارغ‌التحصیلان و نیاز صنایع به نیروی کار ماهر، می‌تواند به مشکلاتی همچون بیکاری، کاهش بهره‌وری و کاهش رقابت‌پذیری صنایع منجر شود.

برای حل این چالش، اقداماتی از جمله موارد زیر می‌تواند موثر باشد :

۱ .تطابق آموزش با نیازهای بازار کار: توسعه برنامه‌های آموزشی و توسعه مهارت‌های موردنیاز صنایع و شغل‌های مختلف براساس تحلیل نیازهای بازار کار؛

۲ .ارتقای کیفیت آموزش: بهبود کیفیت آموزش و ارتقای مهارت‌های فنی و عملی در دانشگاه‌ها، موسسات آموزشی و مراکز آموزش حرفه‌ای؛ ۳. توسعه برنامه‌های تربیت مهارت‌های فنی: توسعه برنامه‌های تربیت مهارت‌های فنی و عملی برای افراد جوان به منظور آماده‌سازی آنها برای ورود به بازار کار؛

۴ .تشویق به همکاری بین دولت، صنعت و دانشگاه: ترویج همکاری بین دولت، صنعت و دانشگاه برای تطابق آموزش با نیازهای بازار کار و ایجاد فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان.

۵ .شرایط کار: شرایط کار در ایران با موانعی همچون حقوق پایین، مشاغل غیررسمی، شرایط نامناسب بیمه تامین اجتماعی و عدم‌تضمین حقوق کارگران روبه‌روست. این مسائل می‌توانند به بی‌ثباتی اقتصادی، نابرابری اجتماعی و کاهش کیفیت زندگی کارگران منجر شوند.

۶ .شرایط اقتصادی: شرایط اقتصادی و مخصوصا تحریم‌های ظالمانه، تاثیرات عمیقی بر بازار کار ایران داشته‌اند. رکود اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و فشار بر صنایع از جمله اثرات منفی این شرایط است که باعث افزایش بیکاری و نابرابری درآمد شده است.

اگرچه رفع تحریم‌ها و اثرات آن در کوتاه‌مدت غیرممکن به نظر می‌رسد، اما برخی از اقدامات زیر می‌تواند آلام منتج از این تحریم‌ها را کاهش دهد:

۱ .ترویج سرمایه‌گذاری: به‌منظور ترویج سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی برای ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه صنایع، شاید گام اول ایجاد شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاران داخلی است تا فرار سرمایه از کشور کاهش یابد. در گام بعدی می‌توان به اقداماتی در جهت افزایش سرمایه‌گذاری خارجی نیز فکر کرد؛ ۲. توسعه صنایع محلی: توسعه صنایع محلی و تولید داخلی به منظور افزایش اشتغال و کاهش وابستگی به واردات نیز می‌تواند راهگشا باشد؛ ۳. ارتقای مهارت‌های کارگران: ارتقای مهارت‌های کارگران و افزایش آموزش‌های حرفه‌ای به منظور تطابق با نیازهای بازار کار؛ ۴. توسعه بخش‌های خدماتی: توسعه بخش‌های خدماتی مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات، بهداشت و درمان و گردشگری به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی؛ ۵. اصلاح سیاست‌های اقتصادی: اصلاح سیاست‌های اقتصادی و اصلاحات ساختاری به منظور افزایش رقابت‌پذیری و تحریک رشد اقتصادی.

به هر روی به نظر می‌رسد بازار نیروی کار در ایران اولا با بهبود در شرایط اقتصاد کلان و استراتژی‌های منتج به رشد و ثانیا، آزادسازی این بازار به گونه‌ای که ورود و خروج از آن به راحتی میسر شود می‌تواند چابکی لازم را برای ایجاد رفاه بیشتر برای بازیگران آن فراهم آورد.

بازار کار در کنار بازار کالا و خدمات، بازار پول و سرمایه و بازار ارز یکی از چهار بازار مهم در اقتصاد است. به همین علت در علم اقتصاد توجه شایانی به این بخش شده است. به‌رغم اثرگذاری بازار کار بر زندگی همه مردم، متاسفانه این بخش کمتر مورد توجه اقتصاددانان ایرانی قرار گرفته است.

بازار کار افراد تحصیل‌کرده اگرچه از نظر تعداد، سهم کمتری از بازار کار را دارد، ولی به‌دلیل اینکه به‌طور طبیعی این افراد در مشاغل مهم‌تری قرار خواهند گرفت، همچنین امکان مهاجرت این قشر بیشتر فراهم است و البته هزینه بیشتری هم از جامعه برای تربیت این افراد صرف شده، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. با این وجود تا پیش از این مطالعه دقیق و کمّی‌ای از میزان رضایت این افراد از رشته و دانشگاه محل تحصیل خود و ارتباط آن با بازار کارشان انجام نشده بود. اخیرا شرکتی که فعالیتش جورسازی کارمندان و کارفرماهاست، با در اختیار داشتن اطلاعات بسیاری از کارفرماها و کارمندان و البته انجام تحقیق میدانی بزرگی گزارشی از میزان رضایت فارغ‌التحصیلان از رشته و دانشگاهشان انجام داده است. نتایج این تحقیق از طرفی برای سیاستگذاران آموزشی و مدیران دانشگاه‌ها بسیار ارزشمند و راه‌گشاست و از طرفی برای دانش‌آموزانی که در آستانه انتخاب رشته و دانشگاه هستند، می‌تواند بسیار سرنوشت‌ساز باشد.

به‌طور طبیعی انتظار این است که بیکاری افراد تحصیل‌کرده کمتر از نرخ بیکاری افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی باشد. تا قبل از سال۹۱ مطابق انتظار نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کمتر از افراد فاقد تحصیلات بوده است، حتی در سال۸۴ نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نصف بیکاری سایرین بوده است (۵.۸درصد در مقابل ۱۲درصد).

ولی از سال۹۱ به بعد نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نسبت به افراد فاقد تحصیلات افزایش یافته است؛ به‌طوری‌که در سال۹۸ نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه ۵۰درصد بیشتر از نرخ بیکاری افراد فاقد تحصیلات تکمیلی شده است (۱۵درصد در مقابل ۱۰.۵درصد). علاوه بر این حدود ۶۰درصد از همین کسانی که مشغول به‌کار شده‌اند، یا از کار خود رضایت ندارند یا در شغلی غیرمرتبط با رشته تحصیلی مشغول به‌کار هستند. اگر به این نکته توجه شود که فارغ‌التحصیل دانشگاه با تلاش فراوان وارد دانشگاه شده و پس از هزینه هنگفت دولت برای تحصیل این دانشجو و پس از گذراندن حدود ۴ سال از مهم‌ترین سال‌های عمرش وقتی وارد بازار کار می‌شود، شرایط را حتی سخت‌تر از بازار کار سایر افراد می‌بیند، آن‌گاه به بحرانی بیشتر پی خواهیم برد. سوال مهمی که هم سیاستگذار و هم آحاد مردم باید به دنبال جوابش باشند این است که اولا چطور شد که این‌طور شد و دوم اینکه از این به بعد چه باید کرد تا نسل بعدی پس از خروج از دانشگاه شرایط مناسب‌تری در بازار کار داشته باشد.

پاسخ جامع و دقیق به این دو سوال نیاز به فضای بیشتر و همچنین مشارکت اقتصاددانان و کارشناسان امر دارد. بازار کار مانند هر بازار دیگری دو سمت عرضه و تقاضا دارد که باید هرکدام به‌طور مبسوط بررسی شوند. همچنین به‌دلیل اصطکاکی که در جورسازی کارمند و کارفرما، یعنی طرف عرضه و تقاضا در این بازار، وجود دارد، این بازار مساله متفاوتی با سایر بازارها دارد که لازم است به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد. این اصطکاک ناشی از این است که کارفرماها به‌طور طبیعی از کیفیت و کمیت کارمندان و توانمندی‌هایشان مطلع نیستند و برعکس کارمندان هم بدون جست‌وجوی هزینه‌بر و زمان‌بر از نیاز کارفرماها مطلع نیستند. به همین دلیل تکنولوژی مورد استفاده در جورسازی در کنار عرضه و تقاضای نیروی کار اهمیت بسزایی دارد و در تحلیل بازار کار نقش مهمی ایفا می‌کند.

با توجه به تغییرات سریع در اقتصاد و رشد بخش خدمات در مقایسه با صنعت و کشاورزی، نیازهای بازار نسبت به دهه‌های گذشته با سرعت بیشتری تغییر یافت. بنابراین مستقل از تعداد کل نیروی متخصص مورد نیاز، ترکیب نیاز رشته‌ها به‌شدت تغییر کرد. علاوه بر این با